

منبر، رسانه‌ای به بلندای تاریخ اسلام



بسیاری از لغت‌دانان عرب، واژه منبر را از ریشه عربی نَبَر به معنای عالی و بلند دانسته‌اند. ابن منظور می‌گوید: «محل ایراد خطبه توسط خطیب را به دلیل بلندی آن، منبر می‌گویند.» منبر جایگاهی است که خطبه یا خطابه از آن ایراد می‌شود.

بسیاری از لغت‌دانان عرب، واژه منبر را از ریشه عربی نَبَر به معنای عالی و بلند دانسته‌اند. ابن منظور می‌گوید: «محل ایراد خطبه توسط خطیب را به دلیل بلندی آن، منبر می‌گویند.» منبر جایگاهی است که خطبه یا خطابه از آن ایراد می‌شود.

خطابه نیز عبارت از سخنی است که در برابر جمع برای اقناع و برانگیختن آنان ایراد می‌شود. برخی در پی آن بودند تا پیشینه استفاده از منبر را در فرهنگ‌های پیش از اسلام جستجو کنند. پیامبر اسلام پیش از ساخت مسجد بر مکان‌های بلند می‌ایستاد و مردم را مخاطب قرار می‌داد. رفته رفته با ساخت مسجد، منبر به عنوان ابزاری ساده برای برقراری این ارتباط و ابلاغ پیام جدید، در کنار محراب مساجد بنا شد.

اهمیت منبر در دوره اسلامی با جایگاه مسجد در فرهنگ اسلامی پیوند دارد. مسجد که در مقایسه با کلیسا سادگی بیشتری دارد، در عین حال نقش اجتماعی آن پررنگ‌تر به نظر می‌رسد. نماز جماعت هر روز مومنان را گرد هم می‌آورد. وعظ و اندرز دل‌ها را زنده نگه می‌داشت. در مسجد امور جاری و مهم اطلاع‌رسانی می‌شد. تصمیمات شورایی اتخاذ می‌شد. مباحثات فکری و عقیدتی درمی‌گرفت. نقطه آغاز تشکیل گردهمایی‌های نظامی و جنگی بود. بعلاوه در نمازهای جمعه و عیدین نیز خطبه ایراد می‌شد.

اهمیت منبر: منبر در دوره اسلامی دو کارکرد اساسی اطلاع‌رسانی و آموزش عمومی را به عهده داشت که به عنوان رسانه‌ای با نفوذ، نقش بارزی ایفا می‌کرد. این رسانه به سبب این‌که فرستنده پیام دارای وجهت دینی است، دارای اعتبار است. کار واعظ از آنجا که متضمن یادآوری مسئولیت‌ها و توجه دادن به عوامل سعادت و شقاوت دنیوی و اخروی بود، با حکایت و داستان‌های آموزنده اخلاقی همراه می‌شد و از همین رو بود که وعظ را علم تذکیر و قصص می‌خواندند و واعظ را به این جهت مذكر یا قصه‌گو نیز می‌گفتند. ابن جوزی کتابی دارد با عنوان: «القصاص و المذکرین» که در آن به پیشینه وعظ در دوره اسلامی اشاره کرده، رهنمودها و توصیه‌هایی در این موضوع بیان می‌کند. برخی محققان وعظ و خطبه را تفکیک کرده‌اند؛ با این توضیح که وعظ بیشتر ناظر به پند و اندرز و آموزش احکام و مسائل اخلاقی است و خطبه بیشتر ناظر به مسائل سیاسی امت اسلامی بوده است. براین اساس به نظر می‌رسد در دهه‌های آغازین اسلام، وعظ و خطبه هر دو به یک اندازه اهمیت داشت. اما بتدریج با ریشه‌دار شدن اختلافات فکری و سیاسی، نقش سیاسی منابر اهمیت بیشتری یافت؛ یا این‌که مذهب رسمی در تعیین رویکرد محتوای منابر تأثیر داشت. دقیق‌تر این‌که براساس تکلیفی که اسلام برای تبلیغ دین قائل است، همواره مبلغان و واعظانی بوده‌اند که پیگیر رشد اخلاقی و عملی مردم بوده‌اند، اما منبر بخاطر تأثیری که داشت فقط به این محدود نمی‌شد و پیام‌هایی فراتر از آموزه‌های دینی را نیز مخابره می‌کرد.

مثلا منبر در دوره عباسیان برای توجیه استقرار حکومت آنان و مشروعیت‌بخشی به حکومتشان نیز به کار گرفته شد. منابر رسمی در دوره عباسی با ذکر بدی‌ها و مظالم بنی‌امیه، اصرار بر معرفی عباسیان به عنوان خاندان پیامبر، ایراد خطبه به نام خلفای عباسی، مخدوش کردن چهره علویان، تبلیغ بر ضد مخالفان، گرایش به مذهب اهل حدیث، تلاش برای یکسان‌سازی فکری جامعه و ترویج باورهای مورد نظر به عنوان رسانه‌ای اثرگذار مطرح بود.

ابن جوزی (د: 597 هـ. ق) یکی از منبریان معروف در اواخر دوره عباسی بود. خطوط اصلی محتوای خطبه‌های وی احیای قدرت خلافت، دفاع شدید از سنت، مخالفت با اهل بدعت، ستایش از امام احمد بن حنبل و پیروان او و سرزنش مخالفان آنان بود. در مجالس وعظ وی، خلفا، وزرا، دانشمندان و بزرگان شرکت می‌کردند. وی بارها در المنتظم به مجالس خود و استقبال مردم از آنها اشاره می‌کند.

نقش منبر به عنوان مجرای ارتباطی حاکمان با مردم در گذشته اهمیت زیادی داشت و منحصر به سلسله خاصی نبود. مثلا وقتی قراخانیان با پیشروی خود، بخارا پایتخت سامانیان را تهدید کردند «واعظان بر فراز منابر مسجدها شدند و به نام سامانیان از مردم خواستند به آنها بپیوندند.» چنان‌که پیش از این نیز اشاره شد وعظ و اندرز مومنان، به عنوان تکلیفی دینی همواره مورد توجه شماری از واعظان بوده است. محققان این طیف از منبریان را ذیل «واعظ مردمی» دسته‌بندی کرده‌اند. در ایران دوره مشروطه چنین واعظانی نقش مهمی در مقابله با استبداد حاکم و پیشبرد مقاصد مشروطه‌خواهی ابراز کردند. نقش سید عبدالله بهبهانی و سید محمد طباطبایی در این زمینه قابل ذکر است. در دوره جدید استعمار سرزمین‌های اسلامی و افزایش تأثیرات سیاسی و فرهنگی غرب همراه با تکنولوژی برترش، رهبران فکری و مذهبی را وارد رویکرد جدیدی در بحث و وعظ کرد. چنین فضایی انگیزه‌های بیشتری برای مطرح کردن آموزه‌های دینی و تفسیر مجدد از تعلیمات سنتی فراهم کرد. منبر در جنبش‌های ضد استعماری به صورت وسیع به کار گرفته شد. به عنوان مثال فرانسویان در سال 1933 طی بخشنامه‌ای از ورود رهبران نواندیش مذهبی به مساجد ممانعت کردند؛ زیرا آنها توده خاموش را برمی‌انگیختند.

رسانه منبر یکی از مهم‌ترین ابزارهای انقلابیون برای پیگیری اهداف انقلاب اسلامی بود. همزمان با شکل‌گیری انقلاب در دهه 40 علما و دانشوران اسلامی برای مقابله با دستگاه تبلیغاتی پهلوی از این رسانه به نحو شایسته استفاده می‌کردند. در مقام مقایسه هیچ یک از رسانه‌های تحت اختیار رژیم شاهنشاهی قدرت برابری با تاثیرگذاری منبر را نداشت. مردمی که پای منابر علمای دینی می‌نشستند ضمن دریافت احکام دینی و بهره‌گیری از دستورات اخلاقی ائمه دین با آخرین اخبار روز آشنایی پیدا می‌کردند.

اساساً در تجمعاتی که در مساجد برگزار می‌شد قبل و بعد از سخنرانی وعاظ و مبلغان، انقلابیون ضمن برگزاری جلساتی محدود و کم‌تعداد در جریان آخرین اخبار قرار می‌گرفتند و برای ادامه تحریکات سیاسی خود هماهنگی‌های لازم را کسب می‌کردند. روحانیون با سخنرانی‌های خود علاوه بر این که به سخنرانی‌های مذهبی و تقویت باورهای مردم می‌پرداختند، پرده از جنایات رژیم شاه برمی‌داشتند و مردم را از اوضاع خفقان‌بار جامعه آگاه می‌کردند و آنها را به مبارزه و تظاهرات علیه رژیم دعوت می‌کردند که واقعاً هم مؤثر بود. روحانیون مساجد را به صورت پایگاه نیروهای انقلابی درآوردند و به عنوان حلقه‌ای واسطه میان رهبری انقلاب و توده‌ها قرار گرفتند. عمده تلاش آنان در این عرصه شرح و تبیین اهداف انقلاب از نظر امام خمینی بود. آنان، تلاش کردند مردم را رهبری و سازماندهی کنند تا در مواقع ضروری بدون واهمه علیه رژیم به خیابان‌ها بریزند و حضور رهبر انقلاب در ایران را خواستار شوند. در واقع منبر به‌عنوان یک رسانه عمومی نقش شگفتی‌ساز و حماسی را در انقلاب اسلامی ایفا کرد. زیرا سخنرانان روحانی با استفاده از آن به‌عنوان تریبونی در جهت رساندن صدای انقلاب به گوش ملت ایران استفاده کردند. از منظر ارتباطی، انتخاب تکنیک سخنرانی و خطابه از سوی انقلابیون، حاوی پیام روشن و آگاهانه‌ای است. زیرا سخنرانی‌ها و خطابه‌ها با برقراری ارتباط نزدیک و بدون خدشه، میان سخنران و مخاطبان می‌تواند به‌عنوان تعیین‌کننده عمل کند.

پیام‌رسانی از طریق منبر در دو مقطع از تاریخ انقلاب اهمیت فراوان پیدا کرد. مقطع اول نهضت، هنوز امام خمینی از ایران تبعید نشده بود و مقطع دوم از تبعید امام تا پیروزی انقلاب اسلامی را شامل می‌شد. طیفی از وعاظ طی این دو مقطع از سال 1341 تا بهمن 1357 در صدد برآمدن با استفاده از رسانه منبر، مشروعیت نظام حاکم را به‌چالش بکشاند و توانستند افکار عمومی جامعه را به‌سوی نهضت جلب کنند.

آیت‌الله طالقانی و حجت‌الاسلام فلسفی به‌عنوان دو نفر از پیشگامان نوگرایی پیام‌رسانی از منبر نقش به‌سزایی در آگاهی مردم داشتند. این دو شخصیت در مقطع قبل از تبعید امام با رویکردی نو از منبر برای پیام‌رسانی بهره می‌بردند و حتی علاوه بر آن در رادیو نیز برنامه‌های تربیتی - اخلاقی ارائه می‌کردند. موج دوم پیام‌رسانی نهضت، از تبعید امام تا پیروزی انقلاب بود. مبارزه و پیام‌رسانی در زمان تبعید رهبری نهضت از طریق مبارزات علنی و مخفیانه تداوم یافت. تلاش‌های آیت‌الله سعیدی به‌عنوان پیشگام پیام‌رسانی آموزه‌های نهضت و حجت‌الاسلام هاشمی‌نژاد به‌عنوان پیام‌رسان نهضت جزو ماندگارترین مبارزات رسانه‌ای انقلاب است.

منابع:

اصغر فتحی، «منبر یک رسانه عمومی در اسلام» تهران، پژوهشکده علوم ارتباطی و توسعه ایران، 1358- حسن ستایش، «بررسی مفهوم خطابه و منبر و سیر تاریخی پیدایش آن» در مجموعه مقالات همایش بزرگداشت استاد فلسفی، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1386- ذکرالله محمدی، «المنبر تاریخی و موقعه فی المسجد» مجله آفاق الحضاره الاسلامیه، آبان 1377. هفته نامه پنجره، شماره 32

دکتر جمال رزمجو / استاد تاریخ دانشگاه اهواز